



## چه مواردی در فقه به گفتار و رفتار حضرت زهرا(س) استناد شده است؟

فاطمه زهرا(س) یکی از ارکان استناد اسلام نیز به شمار می‌رود. شاید دانستن این نکته که بسیاری از احکام اسلامی را مستند به حضرت زهرا(س) می‌دانند، برای برخی از مخاطبان مسئله‌ای تازه و جالب باشد.

فاطمه زهرا(س) یکی از ارکان استناد اسلام نیز به شمار می‌رود. شاید دانستن این نکته که بسیاری از احکام اسلامی را مستند به حضرت زهرا(س) می‌دانند، برای برخی از مخاطبان مسئله‌ای تازه و جالب باشد. به گزارش خبرگزاری مهر، این مطلب خلاصه‌ای است از یادداشت فاطمه(س) در فقه اسلامی، که در جلد سه دانشنامه فاطمه آمده است.

حضرت فاطمه (س) نزدیک‌ترین شخص به پیامبر(ص) بود و به سبب داشتن پشتوانه‌ای عظیم از وحی و معصوم بودن از دیدگاه شیعه و حضور در کنار پیامبر(ص) از احکام و سنت‌های اسلامی آگاهی کامل داشت و در زمان رسول اکرم(ص) مرجع زنان در مدینه در احکام دینی بود. (۱) لذا گفتار و رفتار آن حضرت -ولو به‌عنوان صحابه پیامبر(ص) بر مبنای اعتقاد اهل سنت- همواره یکی از منابع معتمد فقیهان مسلمان در بیان احکام دینی بوده است.

وسعت نقل حدیث از آن حضرت بیان‌گر جایگاه و مرجعیت ایشان است و در منابع حدیثی و فقهی شیعه و اهل سنت، کم‌وبیش شاهد حضور حضرت فاطمه سلام‌الله علیها هستیم. فقهای دیگر مذاهب اسلامی نیز، همانند فقیهان شیعی، بر اساس مبانی فقهی خود، به گفتار و رفتار آن حضرت استناد کرده‌اند. فقهای شیعه بر اساس موازین اجتهاد شیعی، به سیره و سخن فاطمه (س) به‌عنوان سخن معصوم استناد کرده‌اند و فقهای اهل سنت بر اساس سخن آن حضرت فتوا داده‌اند و این بیان‌گر حجیت سیره حضرت فاطمه (س) در میان آنان است. در پاره‌ای از موارد استناد به سنت حضرت فاطمه (س) در متون فقهی اهل سنت و شیعه مشترک است.

### آداب ازدواج و امور خانواده

در اسلام بر ازدواج به‌عنوان سنتی حسنه، تأکید شده و در فضیلت آن و نکوهش ترک آن، روایات بسیاری وارد شده است؛ سیره اهل بیت نیز گواه روشنی بر آن است. برخی برای استحباب ازدواج، به روایتی استناد کرده‌اند که در آن امام صادق (ع) به زنی که مدعی بود با ترک ازدواج دنبال فضیلت است، سیره فاطمه (س) را یادآور شد و تأکید کرد که اگر ترک ازدواج فضیلت داشت، فاطمه از همه بر آن سزاوارتر بود. (۲)

برخی فقیهان شیعه از جمله وجوه استحباب روزه اول ذی‌حجه را ازدواج علی (ع) و فاطمه (س) در این روز دانسته‌اند. (۳)

### کار در خانه

درباره کار و خدمت در خانه شوهر، فقیهان مسلمان چند نظر ابراز کرده‌اند: فقیهان شیعه کارهای خانه را وظیفه شرعی و الزامی زن ندانسته‌اند (۴) و در این مسئله به اقدام پیامبر استناد کرده‌اند که در تقسیم‌کار میان علی و فاطمه، کارهای خانه را بر عهده فاطمه نهاد و کارهای بیرون را به علی (ع) واگذاشت. (۵) یحیی بن حسین، از فقهان متقدم زیدی، نیز با همین استدلال، کارهای خانه را بر عهده زن دانسته است.

به نظر می‌رسد روایت یادشده بر وجوب دلالت ندارد؛ چراکه تقسیم‌کار به درخواست آن دو بزرگوار بوده است. علاوه بر آن که تقسیم مجموعه فعالیت‌های درون و بیرون، مربوط به اداره خانه است و پیامبر شایسته دانستند که کارهای بیرون خانه را علی (ع) و کارهای درون خانه را فاطمه (س) انجام دهد و این موضوع ربطی به مطلق کار زن در بیرون از خانه ندارد یا نافی امکان تقسیم‌کارها به‌گونه‌ای دیگر نیست. در روایات نیز اشاره شده است که فاطمه (س)، با توجه به دو کنیزی که داشت، به دستور پیامبر، یک روز از سه روز را خود عهده‌دار کارها می‌شد. (۶)

### ازدواج با خویشان نزدیک

در منابع شیعی، علامه حلی با استناد به حدیث پیامبر، که ازدواج با خویشاوندان را نهی کرده‌اند، ازدواج با اجنبی را از مستحبات ازدواج شمرده است. (۷) برخی دیگر این نظر را با عنوان «قیل» آورده (۸) و گفته‌اند که مبنای آن، تبعیت از حدیثی است که اهل سنت نقل کرده‌اند. (۹)

موارد دیگری نیز در احکام ازدواج وجود دارد که در آن‌ها شاهد حضور نام حضرت فاطمه (س) هستیم، مانند استحباب خطبه خواندن (۱۰)؛ پرداخت چیزی پیش از زفاف به عروس (۱۱)؛ حکم دف‌زدن، که برخی در جواز آن گفته‌اند در عروسی حضرت دف زده شده است (۱۲)؛ رضایت دختر (۱۳)؛ و کیفیت اجرای صیغه عقد (۱۴). بیشتر این موارد در منابع فریقین آمده است.

### احکام ولادت

در اسلام، برای تولد فرزند، آدابی ذکرشده که برخی از آن‌ها از فاطمه نقل شده و برخی دیگر گرچه از آن حضرت نقل نشده، ولی مربوط به ایشان بوده است. از جمله:

۱. استحباب عقیقه: عقیقه و قربانی‌کردن برای نوزاد، سنتی اسلامی و مورد اتفاق فقیهان است و کتاب‌های مستقلی درباره آن نوشته شده است. (۱۵) دلیل استحباب آن، عقیقه‌کردن برای حسن و حسین علیهما السلام است که در برخی روایات، کار پیامبر شمرده شده است (۱۶) و در برخی دیگر، کار فاطمه سلام‌الله علیها. (۱۷)

سنت دیگری که در عقیقه به فعل فاطمه (س) استناد می‌شود، دادن بخشی از گوشت قربانی به قابله نوزاد است. در برخی از منابع، مقدار آن یک‌چهارم گوسفند (۱۸) و در برخی، یک ران کامل است (۱۹). بیشتر فقیهان اهل سنت، دادن بخشی از گوسفند را به قابله، به فعل حضرت فاطمه (س) مستند کرده‌اند که به دستور پیامبر این کار را انجام داد. (۲۰)

۲. صدقه به‌اندازه وزن موی سر نوزاد: در منابع فقهی و روایی، در تراشیدن موی سر نوزاد و صدقه دادن به‌اندازه وزن آن، به فعل فاطمه (س) استناد شده است که این کار را به دستور رسول خدا (ص) انجام داده بود. (۲۱)

گاه نیز به‌صورت کلی آمده است که فاطمه (س) وقتی فرزندی به دنیا می‌آورد، موی سر او را می‌تراشید و هم‌وزن آن، درهم یا نقره صدقه می‌داد. (۲۲) گاه تصریح شده است که فاطمه (س) این کار را برای حسن، حسین، زینب و ام‌کلثوم انجام داده است. فقیهان شیعه (۲۳) و اهل سنت، به‌اجمال یا تفصیل، اقدام حضرت فاطمه (س) را بازگو و به آن استناد کرده‌اند.

۳. ختنه فرزندان پسر: این کار سنتی ابراهیمی و مورد تأیید اسلام است. از نظر فقیهان، پس از بلوغ، بر خود شخص واجب است (۲۴) و پیش از آن، بر پدر و مادر مستحب است. (۲۵) در اغلب منابع اهل سنت، دلیل استحباب ختنه را در روز هفتم تولد، این دانسته‌اند که امام باقر (ع) نقل کرده است که حضرت فاطمه (س) در روز هفتم، پسرانش را ختنه کرد. (۲۶) در روایات شیعه این امر به پیامبر (ص) نسبت داده شده است. (۲۷)

۴. سوراخ کردن گوش: سوراخ کردن گوش نوزاد، چه دختر چه پسر، مستحب است. منابع فقهی و روایی شیعه به فرمایش پیامبر (ص) استناد کرده‌اند که به فاطمه (س) دستور داد گوش حسن و حسین را سوراخ کند. (۲۸)

۵. دعای ولادت: در منابع شیعه، درباره دعا برای رفع دشواری وضع حمل، روایاتی وارد شده و بابتی نیز به آن اختصاص یافته، ولی هیچ‌کدام از حضرت فاطمه (س) نقل نشده است. (۲۹) در برخی منابع اهل سنت، از آن بانوی گران‌قدر نقل شده است که هنگام وضع حمل ایشان، پیامبر (ص) به ام‌سلمه و زینب (دختر جحش) دستور داد پیش فاطمه (س) بروند و آیة الکرسی و آیة ۵۴ سوره اعراف و معوذتین (سوره فلق و ناس) را بر او بخوانند. (۳۰)

۶. اذان گفتن در گوش نوزاد: در منابع شیعی، طبق روایت امام رضا (ع) از فاطمه (س)، پیامبر (ص) در گوش راست حسین اذان و در گوش چپ او اقامه گفت. (۳۱) برخی به همین امر برای استحباب اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد استناد کرده‌اند. (۳۲)

#### احکام پوشش و نگاه

فقها در مواردی، احکام پوشش (از جمله پوشش در نماز و نیز رابطه با نامحرم) را به کردار یا گفتار حضرت فاطمه (س) مستند کرده‌اند.

۱. پوشش چهره و دست‌ها: از جمله دلایل کسانی که قائل به واجب نبودن پوشش چهره و بلکه جواز نگاه به آن شده‌اند، رفتار حضرت فاطمه (س) در برابر جابر بن عبدالله انصاری است. (۳۳) برخی فقها به دلیل ضعف سند و ممکن نبودن التزام به مضمون سند، این حدیث را درخور استناد ندانسته‌اند. (۳۴) در نوع پوشش زن در نماز نیز فقها به فعل فاطمه سلام‌الله‌علیها استناد و درباره آن بحث کرده‌اند. (۳۵)

از جمله احکام پوشش زنان، پوشیده بودن حجم بدن است، که این حکم پس از مرگ و هنگام تشییع نیز جاری است. لذا در اسلام یکی از احکام استحبابی در تشییع جنازه، به‌ویژه در خصوص میت زن، قرار دادن جنازه در تابوت است. هم فقهای شیعه (۳۶) و هم فقهای اهل سنت (۳۷) این حکم را مطرح کرده‌اند. نخستین بار در اسلام، ساخت تابوت به خواست حضرت فاطمه (س) صورت گرفت و در تشییع پیکر ایشان از آن استفاده شد. ایشان شیوه تشییع جنازه زنان را خوش نمی‌داشت، زیرا فقط پارچه‌ای روی آنان می‌انداختند و برجستگی‌های بدنشان آشکار بود. از این رو، از اسماء بنت عمیس خواست که برای پوشیده ماندن بیشتر، هنگام تشییع ایشان، چاره‌ای بیندیشد. اسماء که از زنان مهاجر به حبشه بود و گویا در آن‌جا دیده بود که مردگان خود را در تابوت سرپوشیده می‌گذارند، طبق همان الگو، با یک‌تخت وارونه، نمونه‌ای برای نشان دادن به حضرت ساخت. حضرت نیز پسندید و دستور داد که اسماء مانند آن را برایش بسازد. این جریان، هم در منابع شیعی (۳۸) و هم در منابع حدیثی و فقهی اهل سنت (۳۹) نقل شده است.

۲. حکم صدای زن: در حرمت شنیدن صدای زن نامحرم، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. (۴۰) برای جواز آن به سیره پیامبر (ص) و اهل‌بیت علیهم‌السلام استناد شده است که با نامحرمان گفت‌وگو می‌کردند. از آن جمله است سخن گفتن حضرت فاطمه (س) با صحابه، مانند سلمان و ابوذر و مقداد (۴۱)، حضور در مسجد در جمع گروهی از اصحاب برای مطالبه میراث خود، و ایراد خطبه در میان مهاجران و انصار. (۴۲)

#### احکام مردگان

در فقه اسلامی، درباره احکام مردگان نیز به سیره حضرت فاطمه (س) استناد شده است، از جمله درباره احکام محتضر (۴۳)، آرزوی مرگ کردن (۴۴)، مقدار کفن، شرکت بانوان در تشییع جنازه، خواندن نماز میت در شب، دفن میت در شب، آداب دفن، سوگواری برای مرده، تسلیت گفتن و زیارت قبور.

در منابع شیعی نیز برای اصل جواز حضور زنان در تشییع جنازه، به حضور فاطمه (س) در تشییع جنازه و خاک‌سپاری خواهرش و نماز بر او استناد کرده‌اند. (۴۵)

فقهای شیعه درباره اولویت داشتن زن بر دیگران برای نماز میت خواندن، در صورتی‌که از دیگران به مرده نزدیک‌تر باشد، به نمازخواندن فاطمه (س) بر خواهرش، زینب، استناد کرده‌اند که به دستور پیامبر (ص) بود. (۴۶)

در کراهت داشتن یا نداشتن نماز بر میت و خاک‌سپاری جنازه در شب، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقهای اهل سنت، قائل به کراهت آن شده‌اند. (۴۷) فقهای شیعه به‌طور کلی، تعجیل در انجام دادن امور مردم و خاک‌سپاری او را مستحب

شمرده‌اند. (۴۸) در روایات نیز تأکید شده است که اگر کسی شب بمیرد، خاک سپاری‌اش به‌روز نیفتد و اگر روز بمیرد، به شب نیفتد. (۴۹) درباره کراهت نداشتن تجهیز میت در شب، فقهای شیعه (۵۰) و بیشتر فقهای اهل سنت، به نماز و خاک‌سپاری حضرت فاطمه (س) در شب استناد کرده‌اند. (۵۱)

### سوگواری بر مرده

برای جواز سوگواری، گریه، نوحه‌سرایی، ادای جملات حزن‌انگیز و رثای بر مرده، علاوه بر روایات دیگر، به سیره حضرت فاطمه (س) نیز استناد شده است. از نظر فقهای شیعه، گریه بر مرده، اگر همراه نوحه‌سرایی و ندبه با اشعار باطل و کذب نباشد، اشکال ندارد. (۵۲)

در روایتی، امام باقر (ع) به این نکته توجه داده است که زن در مصیبت، نیاز به نوحه‌سرایی دارد تا اشک‌هایش جاری شود. (۵۳) فقها در کنار دلایلی که بر جواز گریه وارد شده است، به گریه فاطمه (س) بر خواهرش و پیامبر (ص) استناد کرده‌اند. (۵۴) گریه آن حضرت در فراق پدر، چنان شدید و جان‌سوز بود که نام فاطمه (س) در میان زیادگریه‌کنندگان عالم ثبت شده است. (۵۵) از این رو برخی از فقهای شیعه گریه فاطمه (س) بر پدر، و گریه امام سجاد (ع) بر پدرش امام حسین (ع) را خارج از بحث شمرده‌اند؛ چراکه از افضل عبادات است، اما گریه فاطمه (س) بر خواهرش، رقیه را از دلایل کراهت‌نداشتن گریه بر مرده و جواز آن دانسته‌اند. (۵۶)

### غسل میت

اصل در غسل میت این است که مرد را مرد و زن را زن بشوید. در این قاعده استثناهایی وجود دارد. یکی از آن‌ها رابطه همسری است؛ زن می‌تواند شوهرش را غسل دهد. فقهای شیعه حکم به بقای پیوند زناشویی پس از مرگ داده و در این باره به روایتی از امام صادق استناد کرده‌اند. (۵۷)

بر اساس برخی روایات، شوهر از هر شخص دیگری به کارهای پس از مرگ زنش سزاوارتر است (۵۸) و غسل دادن او مانعی ندارد. (۵۹) از جمله دلایل جواز، وصیت فاطمه (س) است که از علی (ع) خواست او را غسل دهد (۶۰) و بر اساس نقل دیگری، از علی و اسماء بنت عمیس خواست که بدن او را غسل دهند. (۶۱) این موضوع در روایات شیعه (۶۲) و اهل سنت (۶۳) نقل شده است و فقها در مجاز شمردن آن، به آن‌ها استناد کرده‌اند. برخی غسل از روی لباس را ترجیح داده‌اند. (۶۴)

### آداب روزه‌داری

در منابع روایی شیعی، درباره روزه کامل، از فاطمه (س)، حدیثی آورده‌اند که آن حضرت به نقل از پیامبر (ص) روح روزه و روزه‌داری را در حفظ گوش و چشم و زبان از گناه می‌دانست. (۶۵)

### پی‌نوشتها:

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۳.
۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۹/ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۷.
۳. محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۷۱۰/ علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۶، ص ۱۹۴.
۴. علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۳، ص ۵۸۷/ بحرانی، الحدائق الناضره، ج ۲۵، ص ۱۲۵.
۵. ابن قدامه، المغنی، ج ۸، ص ۱۳۰/ سرخسی، المبسوط، ج ۱۶، ص ۵۵.
۶. بحرانی، الانوار اللوامع، ج ۱۰، ص ۹۳.
۷. علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۲، ص ۵۶۹.
۸. بحرانی، الحدائق، ج ۲۳، ص ۱۷.
۹. شهید اول، القواعد، ج ۱، ص ۳۸۱/ بحرانی، الحدائق، ج ۲۳، ص ۱۸.
۱۰. طبری امامی، نوادر المعجزات، ص ۸۵/ سید بکری، حاشیه اعانه الطالبین، ج ۳، ص ۳۰۹.
۱۱. ابوداود سجستانی، ج ۱، ص ۴۷۲/ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۱.
۱۲. مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۶.
۱۳. میرزای قمی، جامع الشتات، ج ۴، ص ۴۲۵.
۱۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۱۱.
۱۵. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۷.
۱۶. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۲/ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۸.
۱۷. صدوق، عیون اخبار رضا، ج ۱، ص ۵۰/ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۰.
۱۸. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۷/ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۳۹۵.
۱۹. بیهقی، معرفه السنن، ج ۷، ص ۲۴۰.
۲۰. شریبینی، الاقناع، ج ۲، ص ۲۴۶.
۲۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۸/ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۶.
۲۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۶/ ابن قدامه، المغنی، ج ۱۱، ص ۱۲۲.
۲۳. بحرانی، الحدائق، ج ۲۵، ص ۶۵.
۲۴. ابن براج طرابلسی، المهذب، ج ۲، ص ۲۶۱.
۲۵. نووی، المجموع، ج ۱، ص ۳۰۲.

۲۶. نووی، المجموع، ج ۱، ص ۳۰۷.
۲۷. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۱ / حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۵.
۲۸. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۹ / بحرانی، الحدائق، ج ۲۵، ص ۴۷.
۲۹. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۰۹-۴۱۰.
۳۰. نووی، الاذکار النوویه، ص ۲۸۵.
۳۱. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸ / حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۳۹.
۳۲. بحرانی، الحدائق، ج ۲۵، ص ۳۸.
۳۳. بحرانی، الحدائق، ج ۲۳، ص ۵۵ / نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۷.
۳۴. خویی، النکاح، ج ۱، ص ۵۹.
۳۵. علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۱، ص ۲۳۷.
۳۶. علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۱، ص ۴۴۳ / بحرانی، الحدائق، ج ۴، ص ۸۹.
۳۷. ابن قدامه، المغنی، ج ۲، ص ۴۰۹ / نووی، المجموع، ج ۵، ص ۲۷۱.
۳۸. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۷۵.
۳۹. بیهقی، السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۴.
۴۰. فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۷، ص ۲۹ / بحرانی، الحدائق، ج ۲۳، ص ۶۶.
۴۱. نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۸.
۴۲. بحرانی، الحدائق، ج ۲۳، ص ۶۶.
۴۳. سید سابق، فقه السنه، ج ۱، ص ۵۰۲.
۴۴. کجوری حسینی، الخصائص الفاطمیه، ج ۲، ص ۵۲۹.
۴۵. علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۱، ص ۴۴۶ / بحرانی، الحدائق، ج ۴، ص ۸۵.
۴۶. علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۲، ص ۴۶ / شهید اول، ذکری الشیعه، ج ۱، ص ۴۱۸.
۴۷. ابن حزم اندلسی، المحلی، ج ۵، ص ۱۱۴.
۴۸. علامه حلی، نهایه الاحکام، ج ۲، ص ۲۱۷.
۴۹. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۳۷ / حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۷۴.
۵۰. علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۱، ص ۴۵۸.
۵۱. طحاوی، شرح معانی الآثار، ج ۱، ص ۵۱۴.
۵۲. علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۲، ص ۱۲۰.
۵۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۹۳.
۵۴. علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۲، ص ۱۲۰.
۵۵. صدق، الخصال، ص ۲۷۲ / طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۳۱۵.
۵۶. آملی، مصباح الهدای فی شرح العروه الوثقی، ج ۶، ص ۴۹۲.
۵۷. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۵۷ / نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۵۲.
۵۸. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۱۵.
۵۹. طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۶۹۹ / نووی، المجموع، ج ۵، ص ۱۴۹ / نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۴۸.
۶۰. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۴.
۶۱. بیهقی، معرفه السنن، ج ۳، ص ۱۳۱.
۶۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۵۹ / صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۴.
۶۳. شافعی، الأم، ج ۱، ص ۳۱۱.
۶۴. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۵۱، ۵۳-۵۴.
۶۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۶۵.
- \*منبع: مهرخانه (پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان)